

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت
www.m-hekmat.com

۲۰ آبان ۱۳۸۸، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ چهارشنبه ها منتشر میشود

Iskraa_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدال گلپریان

احسان فتاحیان بدست جنایتکاران اسلامی اعدام شد!



احسان فتاحیان

پیش زندانیان دست به اعتصاب غذا زده و شهر حالت اعتراضی بخود گرفته بود. شامگاه دیروز سه شنبه، مزدوران حکومت در شهر صفحه ۴

سحرگاه صبح چهارشنبه ۲۰ آبان ماه، احسان فتاحیان علیرغم اعتراضات گسترده بین المللی و اعتراض مردم در ایران، سباعانه به قتل رسید.
امروز در سنندج و دیگر شهرهای کردستان، همه کسانی که در ایران و در دنیا برای نجات جان احسان، به پا خاسته و اعتراض کردند و همه کسانی که حق حیات را حق انسان میدانند، به سوگ احسان ۲۷ ساله می نشینند.
این جنایت در شرایطی اتفاق افتاد که در سنندج از چند روز

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره تظاهرات ۱۳ آبان و انقلاب حاضر

تظاهرات وسیع و رادیکال ۱۳ آبان در تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، رشت، مشهد، اصفهان، اهواز، اراک، یاسوج، تفرش و قزوین و شهر کرد و شهرهای دیگر یکبار دیگر با قاطعیت اعلام کرد آنچه در ایران جریان دارد يك انقلاب عظیم و توده ای برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. اکنون دیگر روشن است که این جنبش در "اعتراض به انتخابات"، محدود به اصلاح صفحه ۲



مصاحبه ایسکرا با منصور فرزاد در مورد زندانیان سیاسی

زندان، شکنجه، تجاوز، خانه خرابی مردم و اعدام بر سر کار مانده است. تهدید به اعدام زندانیان سیاسی را در این دوره چگونه توضیح میدهید؟
منصور فرزاد: جمهوری اسلامی، حکومتی مستبد و فوق العاده خشن است که از هنگام بدست گرفتن قدرت، به سرکوب مبارزات مردم، خواسته ها و مطالبات مردم اقدام کرده است. سرکوب خواسته های جوانان، زنان، کارگران و دیگر اقشار اجتماعی جز ماهیت رژیم اسلامی است و در تمام دوران حکومت این رژیم ادامه داشته است. دلیل آن تناقض ماهوی این حکومت با خواسته های مردم در این قرن است. جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانسته بشیوه اسلامی بر مردم حکومت کند و همواره با بحران مواجه بوده است. صفحه ۵

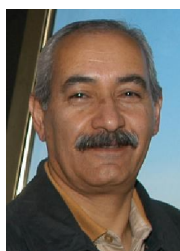
زندان، شکنجه، تجاوز، خانه خرابی مردم و اعدام بر سر کار مانده است. تهدید به اعدام زندانیان سیاسی را در این دوره چگونه توضیح میدهید؟
منصور فرزاد: جمهوری اسلامی، حکومتی مستبد و فوق العاده خشن است که از هنگام بدست گرفتن قدرت، به سرکوب مبارزات مردم، خواسته ها و مطالبات مردم اقدام کرده است. سرکوب خواسته های جوانان، زنان، کارگران و دیگر اقشار اجتماعی جز ماهیت رژیم اسلامی است و در تمام دوران حکومت این رژیم ادامه داشته است. دلیل آن تناقض ماهوی این حکومت با خواسته های مردم در این قرن است. جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانسته بشیوه اسلامی بر مردم حکومت کند و همواره با بحران مواجه بوده است. صفحه ۵



منصور فرزاد

ایسکرا: حکومت اسلامی از بدو سر کار آمدنش تا به امروز با

۱۳ آبان، رژه انقلاب پاسخی به نوشته "سیزده آبان، رژه سرداران"



عبدال گلپریان

میڈیا و دولتهای غربی هم می دانند و سیزده آبان این واقعیت را در مقابل چشمان همه قرار داد که انقلاب دارد تعمیق می شود و هیچ مانعی جلودارش نیست. شعار "مرگ بر دیکتاتور"، یکی از شعارهای محوری و توده ای مردم صفحه ۲

اکنون دیگر برای کسی جای هیچ تردیدی باقی نمانده است که آنچه در ایران در حال جریان است انقلاب مردم برای بزیر کشیدن کل نظام اسلامی است. حرکت گسترده و رادیکال مردم در سیزده آبان در بسیاری از شهرهای ایران شفافتر از ماههای قبل نشان داد که این انقلابی توده ای و رادیکال برای خلاصی از بختک اسلامی است. سیزده آبان نقطه عطفی در سیر پیشروی مبارزات مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. این را امروز دیگر خامنه ای و احمدی نژاد، موسوی و کروبی، همه جناحها و فرماندهان سپاه

حتی اجازه نداد، مزدوران چهارپایه را از زیر پایش بکشند...

گرامی باد یاد احسان فتاحیان

صفحه ۴

قتل یک کارگر مرزی توسط مزدوران رژیم

صفحه ۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد قطع مجدد کانال جدید

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۱۳ آبان، رژه انقلاب . . .

ازصفحه ۱

در ۱۳ آبان بود، عکس احمدی نژاد را در مازندران به آتش کشیدند، در تهران، مردم برای چندمین بار از همزمان رفتگر خود خواستند که این دیکتاتورچه را در زیاله دانی بریزند و ببرند: "برادر رفتگر، محمود و وردار ببر" در همان حال مردم متنفر از حکومت اسلامی عکس دیکتاتور بزرگ را در چند قدمی کاخش بریز کشیدند، زیر پا له کردند و آتش زدند. در یکی از فیلم‌ها پوستر بزرگ رهبر را از روی دیوار کنند و جوانان با استفاده از دوربین موبایل‌هایشان آنرا به جهان مخابره کردند. در سیزده آبان اگر رژه ای بود رژه انقلاب بود که در مقابل چشم میلیونها نفر بر پیکر حکومت در حال سقوط اسلامی به اجرا درآمد. شعارهای دیگری که در سیزده آبان سر داده شد، "خامنه ای قاتله، نظامش هم باطله"، "خامنه ای قاتله، ولایتش باطله" و "مرگ بر خامنه ای" را فریاد زدند. "مرگ بر اصل ولایت فقیه" و "مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی" و شعار "نه موسوی، نه احمدی، آزادی برابری" از آن شعارهایی در سیزده آبان بود که همه جناحهای رژیم و کل اپوزیسیون داخل و خارج حکومت را به وحشت انداخت. این تنها گوشه ای کوچک از یک تصویر بسیار عظیم و شگرفی بود که مردم انقلابی ایران در شهرهای زیادی در سیزده آبان خلق کردند.

اما در مقابل این وضعیت انقلابی و شور انگیز و در شرایطی که قدرت انقلاب در مقابل هیولای حکومت اسلامی هر روز عمیقتر به جلو می رود، شاهد رندی و حقه بازی احمقانه ای از جانب نویسندگان و کادر رهبری حزب کوروش مدرسی هستیم که مدام این واقعیت زنده حرکت انقلاب مردم برای بریز کشیدن حکومت اسلامی را تحریف و تحقیر می کنند. پیشینه سیاستها و مواضع این حزب را کاظم نیکخواه اخیرا در دو نوشته بخوبی ترسیم کرده

صفحه ۳

ازصفحه ۱

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران . . .

دنیا آن کشیده میشوند. تظاهرات ۱۳ آبان همچنین با شعار "اوپاما یا با اوئا یا با ما" و نیز شعارهای دیگر پیام محکمی برای دول بورژوازی فرستاد و اعلام کرد که هیچگونه سازش و معامله برای بقا جمهوری اسلامی را نمی پذیرد. اکنون هر دولت بورژوازی ناگزیر است بپذیرد که مردم ایران برای اجرای حکم خود مبنی بر اینکه "جمهوری اسلامی باید برود" ضمانت اجرایی پر قدرت و زیر و رو کننده ای یعنی انقلاب حاضر را قرار داده اند.

بالاخره اینکه تظاهرات ۱۳ آبان حاکی از آن بود که انقلاب مقدمات عبور از وضعیت نامتین در رهبری رسمی اش را فراهم میکنند. این انقلاب بی تردید در مضمون و شکل چپ است و به این معنی رهبری آن نیز چپ است. اما به دلائلی و از جمله توازن قوای نامساعد و سببیت و وحشیگری بی حد و حصر رژیم اسلامی ناگزیر بوده است که از شکاف های بین حاکمان استفاده کند. اکنون انقلاب به میزانی که توازن قوا را به نفع خود بهم میزند روی پای خود می ایستد و بیش از پیش با زبان صریح و روشن خود سخن میگوید. ۱۳ آبان یک گام تعیین کننده در این جهت بود. ۱۳ آبان بیش از پیش شرایط تامین رهبری چپ و انسجام حول پرچمی را فراهم آورد که خواهان پیروزی بی کم و کاست بر جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه و شادی است. این پرچم کارگران و زنان و جوانان است که شفاف و بی تزلزل توسط حزب کمونیست کارگری برافراشته شده و پس از این قدرتمند تر خواهد شد.

حزب به تمام زنان و مردانی که ۱۳ آبان را ساختند درود میفرستد، آنان را بصوف خود فرا میخواند و همراه آنان با شوری دو چندان برای پیشروی های بیشتر انقلاب و سرنگونی کامل جمهوری اسلامی مبارزه میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ نوامبر ۲۰۰۹، ۱۴ آبان ۱۳۸۸

میگذارد که انقلاب حاضر، انقلابی زنانه است. نه فقط بخاطر آنکه زنان و دختران یک نیروی محرکه اصلی آن هستند، بلکه به این معنی که برابری بی قید و شرط زن و مرد و تغییر کل فرهنگ اسلامی و ضد زن حاکم اصل مسلم انقلاب حاضر است. گسترش اعتصابات کارگری در هفته های گذشته و پیوستن

فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "خامنه ای قاتله ولایتش باطله"، "مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی" و نظیر این در تظاهرات میلیونی ۱۳ آبان کمترین تردیدی نمی گذارد که حرکت عظیم مردم، همچنان که ما از روز نخست گفتیم، انقلابی علیه کلیت جمهوری اسلامی است.

مردم به صفوف تظاهرات کارگران در اهواز از حضور قدرتمند تر صف متشکل کارگران در آینده نزدیک خبر میدهد.

بدین ترتیب تظاهرات ۱۳ آبان یک نقطه عطف مهم در پیشروی انقلاب در ایران بود. انقلاب اکنون قدرت و استحکام بیشتری یافته، سیمای چپ و رادیکال آن متعین تر میشود و با گام های استوار به پیش میرود. اولین نتیجه این وضع تشدید نزاعهای درونی جمهوری اسلامی نه فقط بین جناح حاکم و مغضوب بلکه حتی در صفوف جناح غالب خواهد بود. روحیه نیروهای سرکوب بیش از پیش تضعیف خواهد شد و فضای فعالیت سیاسی و انقلابی گسترش خواهد یافت. اشکال سازماندهی توده ای و حزبی ارتقاء خواهد یافت و توده های وسیع مردم برای سرنگونی انقلابی رژیم و بدست گرفتن سرنوشت خود و اداره اوضاع

پس از جمهوری اسلامی آماده خواهند شد. تظاهرات ۱۳ آبان موقعیت نیروهای راست جامعه بطور کلی را نیز تضعیف کرد. کسانی که به توقف و مهار انقلاب و سازش آن با جمهوری اسلامی دل بسته بودند، اکنون بیش از پیش منزوی و از صحنه سیاست ایران خارج میشوند و در بهترین حالت به امید چوب لای چرخ انقلاب گذاردن لنگ لنگان به

جمهوری اسلامی، یا تغییراتی در چهارچوب نظام سیاسی حاضر نیست. فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "خامنه ای قاتله ولایتش باطله"، "مرگ بر قانون اساسی جمهوری اسلامی" و نظیر این در تظاهرات میلیونی ۱۳ آبان کمترین تردیدی نمی گذارد که حرکت عظیم مردم، همچنان که ما از روز نخست گفتیم،

انقلابی علیه کلیت جمهوری اسلامی است.

۱۳ آبان با قدرتی دوچندان اعلام کرد که رژیم حاکم با همه وحشیگری و جنایاتش قادر به متوقف کردن مردم و انقلابشان نیست. برعکس این انقلاب است که قدم به قدم به پیش میرود و شرایط از پای درآوردن رژیم جانپان اسلامی را فراهم می آورد. اکنون دیگر قطعی است که انقلاب در شکل تظاهرات های توده ای به مناسبت های رسمی و غیر رسمی ضربان و ریتم منظمی یافته است. با تظاهرات های گسترده و پرشور ۱۳ آبان انقلاب نه فقط ادامه کاری خود را اعلام کرد بلکه نشان داد که در هر گام بیشتر نیرو میگیرد و بخش هر چه وسیعتری از جامعه را علیه رژیم اسلامی بسیج میکند و بمیدان می آورد.

تظاهرات های وسیع دانشجویی در سراسر کشور در هفته های منتهی به ۱۳ آبان و همچنین حضور پررنگ تر دانش آموزان دبیرستانی در صف انقلاب مبارزات بازم پرشورتر جوانان برای خلاصی جامعه از شر رژیم اسلامی را نوید میدهد. نقش دختران و زنان در تظاهرات ۱۳ آبان و حمله وحشیانه و تدارک شده نیروهای سرکوبگر به زنان تاکید دیگری بر این حقیقت

۱۳ آبان، رژه انقلاب . . .

ازصفحه ۲

تنها اشتیاقی به دیدن این تصاویر و شنیدن این شعارها ندارند بلکه صاف و سر راست انکارش می کنند، جرئت ندارند يك كلمه از اسم ببرند. همان تصاویری را که همین بی بی سی و سی ان ان و دیگر میدیای غربی که قادر به انکارش نیستند از سوی این جماعت انکار می شود. عظمت و قدرت انقلاب مردم در ایران تا بدان حد است که انعکاس این رادیکالیسم را به رسانه های بورژوازی تحمیل کرده است. گزارشات رسانه ها و میدیای غربی در سیزده آبان این حقیقت مسلم را نشان داد که بگویند رادیکال و چپ بود.

حزب کوروش مدرسی و کادر رهبری این حزب از همان ابتدای به خیابان آمدن مردم در نوشته هایشان گفتند که این جدالی بین دو جناح در حکومت است و در نهایت سخاوتمندی به بدل و بخشش پرداختند و حرکت مردم برای سرنگونی رژیم که دنیا را متوجه خود ساخت به موسوی تقدیم کردند و بیش از هر رسانه بورژوازی دیگری از "جنبش سبز" گفتند و نوشتند و آنرا در بوق کردند. "جنگ جناحها"

و "جنبش سبز"، سرتیتر، محتوا و مضمون تمام نوشته ها، تحلیلها، مواضع و سیاستهای این حزب در شش ماه اخیر در بر خورد به انقلاب حاضر بوده است. نتیجه این سیاست در عمل این بوده است که به مردم بگویند در خانه بمانید چون دعوای مربوط به جناحهای حکومت است. معنی این سیاست این است که نیروی انقلاب مردم کاری به این نظام گندیده و در حال مرگ، کاری به سران سه دهه جنایت و جناحهای مختلف آن نداشته باشند.

درست در شرایطی که يك موقعیت طلایی برای مردم بوجود آمده است و این حضرات خوابش را هم نمی دیدند، به مردم فرمان، نکنید، این کار شما نیست، جنگ جناحها به خودشان مربوط است و غیره را تا کنون تحویل داده اند. این سیاستهای راست و ارتجاعی، سیاستهایی در مقابل انقلاب مردم است.

روایت این خط راست این است که بعد از شش ماه مردم را کماکان آلت دست جناحها می داند. قادر به توضیح این واقعیت نیستند و یا هستند و باید منکر آن شوند که این غول به حرکت درآمده چیست که هر دو جناح حکومت از يك سو و دولت و میدیای غرب از سوی دیگر تمام امکانات خود را به کار انداخته اند تا از قبل آن سودی عاید بقا و اهدافشان بشود؟ باید خبری باشد که این همه مانور، بسیج، میدیا، شارلاتانیزم، شکنجه، تجاوز، سره نیست کردن، اعدام و هزارو يك جنایت دیگر توسط این رژیم دارد صورت می گیرد. ابعاد این انقلاب آنچنان خیره کننده است که کادرهای رهبری حزب کوروش مدرسی تا کنون در مقابل آن و در همین مایه قلم فرسای کرده اند و در مقابلش صف کشیده اند.

ایشان می گویند: تمام این تدابیر شدید امنیتی و بسیج خیل مزدوران به این خاطر بوده است که سیزده آبان از چهار چوب قانونی خارج نشود و کاری نکنند که نظر مردم به خیابان آمده است و "خامنه ای قاتله نظامش باطله" قرار است با تدابیر امنیتی و بسیج مزدوران نظرشان به طرف حکومت جلب شود!! این دیگر تنها تحقیر مبارزه مردم نیست بلکه مشتی چرت و پرت است که هر آدم ساده و بی اطلاع از دنیای سیاست نیز به این گونه تحلیلها می خندد.

در ادامه می گویند:

تلاش نمایندگان سرمایه برای کشاندن مردم انقلابی به بهانه تقویت نظام با ضلالت "حکومت کودتا"، تنها جهت تحمیل و گرفتن توان و نیروی آنان علیه حریف و نشان دادن قدرت و توان خود به کل مردم بود. ۱۳ آبان امسال نمایی برای تحمیل و به رخ کشیدن قدرت جناحهای جمهوری اسلامی و تمکین مردم بود.

(خط تاکید از من)

همانطور که اشاره کردم محتوا و مضمون این نوشته، مملو از تحقیر و توهین به مردم است. انکار انقلاب در مواضع و سینههای این حزب نه تنها در شش ماه اخیر بلکه قبلتر از آن نیز "زینت بخش" نوشته های رهبری این حزب بوده است. اما معلوم نیست چگونه است که نمایندگان سرمایه برای تقویت نظامشان مردم انقلابی را به میدان می کشند!! اگر این مردم انقلابی به میدان آمده اند معنایش هم بسادگی این است که مردم انقلابی برای انقلاب کردن به میدان آمده اند و می خواهند انقلاب کنند.

شعارهای رادیکال، انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم در سیزده آبان به وفور در این باره سر داده شد و این پیام را به هر ناباوری باوراند. عکس خامنه ای را پایین کشیدند، به قانون اساسی مورد حمایت موسوی و دیگر سران جناحها تف انداختند، ولایت و نظام رهبر را باطل اعلام کردند و دهها حرکت شورانگیز دیگر را با روحیه ای متعصب و امید بخش تر از پیش به نمایش گذاشتند که همین میدیای مورد اشاره ایشان ناچار شد این رادیکالیسم را منعکس کند و مهمتر از همه اینکه در سیزده آبان مردم با شعار "نه موسوی، نه احمدی، آزادی برابری" از کل جناحها، جریانها و گرایشها ضد انقلابی عبور خود را اعلام کردند. این فضای سیاسی و انقلابی با این شعارها گویا بهانه ای برای تقویت نظام و ضلالت با کودتا چپان بوده است. در همین رابطه و در ادامه می گویند:

این سرمایه و جناحی از حکومت است که مردم انقلابی را علیه جناح دیگر به میدان آورده است!!

این هم تکرار همان بخش اول نوشته ایشان است. این جنگ جناحها است و اگر مردم به جان هر دو جناح در سیزده آبان افتاده اند می گویند نخیر مردم به آلت دست تبدیل شده اند. بالاتر به این مسئله اشاره کردم اما معلوم نیست که آیا واقعا کسی در این حزب پیدا می شود که به نویسنده این سطور بگوید که این تناقضات و این جملات و فرمولهای درهم برهم چیست؟

گرفتن ژست چپ و مواضع و سیاستهای راست اتخاذ کردن، قطعاً این نوع تناقضات را هم از خود بیرون

می دهد.

برای کل سران حکومت اسلامی روز سیزده آبان یعنی یکی از ستونهای این رژیم در تسخیر سفارت آمریکا یعنی هویت آن و تکیه زدن بر مواضع ضد شیطان بزرگ در جهت سه دهه سرکوب و جنایت علیه بشریت و درست در سیزده آبان بعنوان روز دانش آموز، مردم انقلابی و پسا خواسته در بسیاری از شهرهای ایران و با گرامیداشت این روز، این ادعا و این ستون هویتی حکومت اسلامی را بسیار رادیکال و تعرضی و با شعار های تند و تیز به لرزه درآوردند. آیا درک کشفی می خواهد که بفهمد مهمترین روز رژیم که آنرا بعنوان روزهای هویتی خود تعریف کرده است اینگونه با تعرض صف انقلابی مردم نشانه گرفته می شود چیست؟

به حزبی که دچار تحلیل اشتباه از اوضاع سیاسی شده باشد شاید بتوان گفت بس کنید، تا کی می خواهید عدم دخالت و پاسیو بودن خود را در دایره جنگ جناحها تعریف و تکرار کنید، گوشتان را به زمین چسبانید، بخود آبیید و قدری سیاسی به اوضاع سیاسی و انقلابی نگاه کنید اما به حزب کوروش مدرسی و کادر رهبری اش نمیشود این را گفت به این خاطر که کارنامه این حزب تا به امروز نه از سر تحلیل نادرست و اشتباه در قبال اوضاع سیاسی ایران بلکه برعکس تمام مواضع، سیاست و تحلیلهایش برای ایجاد مانع در مقابل این انقلاب بوده است.

با فرا رسیدن هر مناسبتی حتی مناسبت روز قدس رژیم، مو بر بدن سران هر دو جناح و اپوزیسیون داخل و خارج آن راست می شود اما يك "حزب اپوزیسیون" اعتراف و وحشت هر دو جناح از انقلاب مردم که شش ماه است خواب را از چشمانشان گرفته است را به جیب خود آنان می ریزد و به این شکل منکر انقلاب و مبارزه انقلابی مردم علیه کلیت این نظام در حال سقوط می شود.

یداله جوانی رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران و یکی از فرماندهان سپاه در مقاله ای هشدار داده است که روز قدس و سیزده آبان با حرکت توده میلیونی (که منظور مقامات حکومت از توده میلیونی همان سپاه و بسیج است) متفاوت بوده است و از خارج هدایت و توسط دشمنان نظام سازماندهی می شود.

(خط تاکید از من)

هر آدمی که تنها در این شش ماه به دنیای سیاست وارد شده باشد می داند که جناب فرمانده سپاه منظور از متفاوت بودن این است که در این دو مناسبت مردم انقلابی با شعارهای رادیکال و بشدت سرنگونی طلبانه علیه همه جناح ها گل کاشتند، امید ضد انقلاب را نا امید کردند، پیامی انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه و سرنگونی طلبانه را با دوربین موبایلهایشان به سراسر جهان مخابره کردند. اما تنها روز قدس و سیزده آبان نبود بلکه قبلتر از آن هیچجده تیر نقطه شروع عبور از موسوی بود و موسوی بهانه است کل نظام نشانه است را اعلام کردند. درهیجده تیر انقلاب مردم برای سرنگونی این نظام بر روی پاهای خود ایستاد. همان موقع هر دو جناح به اندازه هم خط و مرز خود را با روز هجده تیر ترسیم کردند. حزب کوروش مدرسی نیز از همان شروع حرکت انقلابی مردم در شش ماه قبل نیز خط قرمز خود با انقلاب مردم برای سرنگونی رژیم را کشید. در سیزده آبان سران و مقامات حکومت، هراس و وحشت خود از حضور گسترده مردم در بسیاری از شهرهای ایران و رادیکالتر شدن قدمهای انقلاب را بروز داده و نسبت به آن هشدار دادند، مقالات و نوشته های کادر رهبری حزب کوروش مدرسی اکنون نیز عمیقتر از شش ماه قبل در مقابل این انقلاب قلم چرخانی کرده است. نوشته خالد حاج محمدی نمونه تپییکی از این ایستادگی در مقابل انقلاب است.

همین مردم انقلابی در این نوشته اینگونه توصیف می شوند: در این میان بسیاری از مردم نقش سربازان جنگی را داشتند که اهداف، شکست و پیروزی جنگ به آنان مربوط نبود اینجا نیز همان مواضع و گفته های تکراری و همیشگی تبدیل نمودن مردمی که حماسه هایی چون سیزده آبان را آفرینند مورد تحقیر مجدد قرار می گیرند. در شش ماهی که از شروع انقلاب مردم علیه حکومت اسلامی می گذرد آنچه که از چپته این حزب و نویسندگانش خارج شده این بوده است که هر چه هست جنگ و دعوای جناحها است، صفحه ۴

حتی اجازه نداد، مزدوران چهارپایه را از زیر پایش بکشند... گرامی باد یاد احسان فتاحیان

چهارپایه‌ها می‌کند و با مرگش سند محکومیت حکومتی را صادر می‌کند که جنایتکار و درنده وحشی است. او با این کار خود نمایندگی نفرت میلیون‌ها مردم را می‌کند که از این دولت و از جلادان و دست اندرکاران این حکومت نفرت دارند.

احسان در این صحنه، با شجاعت و قهرمانانه نمایندگی میلیون‌ها مردمی را می‌کند که علیه این حکومت به میدان آمده و فریاد زده اند: توپ و تانک و مسلسل و سیجی و اعدام و جنایت دیگر اثر ندارد. باید بساط کثیف اتان را جمع کنید و بروید.

در زندان سنندج امروز یاران احسان مراسمی به یاد او و در گرامی داشت او برپا کردند.

کمیته بین المللی علیه اعدام، به همه کسانی که برای نجات جان احسان تلاش کردند، درود می‌فرستد و از همگان دعوت می‌کند با برپایی مراسم میتینگ و تظاهرات یاد احسان فتاحیان را گرامی بدارند.

در همه جا در ایران و در دنیا با برپایی مراسم و میتینگ، یاد احسان فتاحیان را گرامی می‌داریم.

زنده باد یاد عزیز
احسان فتاحیان

سرنگون باد
حکومت جنایتکار اسلامی
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ نوامبر ۲۰۰۹
minaahadi@aol.com
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

زندانیان سنندج امروز صحنه یک واقعه سیاسی مهم بود. در یکطرف جلادان و تیم قاتلین و کوماندوهای اعدام صف کشیده اند و در طرف دیگر یک انسان آزاده و آزادیخواه، یک فعال سیاسی، یک معترض و مبارز علیه حکومت جنایتکار اسلامی، احسان فتاحیان.

همه درها و پنجره‌ها را بسته اند، تا صدای اعتراض هزاران و میلیون‌ها نفر به این سببیت و وحشیگری به گوش کسی و بویژه به گوش احسان نرسد. به احسان حتی اجازه نمی‌دهند، آخرین بار والدین و خانواده اش را ملاقات کند. جلادان از مردم می‌ترسند.

رهبرشان لاریجانی، نامه سربسته به والدین احسان می‌دهد و در آن حکم اعدام را امضا می‌کند و همین را نیز جرات نمی‌کند، به کسی بگوید. و تانک و نیروهای مسلح ایشان را در مقابل در زندان آورده و با دستپاچگی و دروغ‌پراکنی، سعی می‌کنند مردم معترض و منزجر و خشمگین را آرام کنند.

رئیس زندانشان، به دروغ به یک رسانه اعلام می‌کند که اعدامی در کار نیست و در خفا، احسان را به میدان اعدام می‌برند. اینجا زانوی جلادان است که می‌لرزد و احسان با قامتی افراشته وارد این میدان می‌شود و آخرین حرفش اینست که اجازه نمی‌دهد دستهای کثیف جلادان او را لمس کند و اجازه نمی‌دهد که چهارپایه را جلادان از زیر پایش بکشند. او خود را از بالای

جمهوری اسلامی احسان را هم از ما گرفت، باید جان دیگر عزیزان دربند را نجات بدهیم.

باید متحدانه به میدان آمد و مراسم های یادبود احسان را به صحنه پرشور اعتراض علیه حکومت اسلامی تبدیل کرد. ما باید گسترده و متحدانه به میدان آمده و این مراسمها را به صحنه پرشور ابراز نفرت عمومی و همگانی علیه حکومت اسلامی تبدیل کنیم. ما باید با اعتراضات گسترده ترو متحدانه تر این ماشین آدمکش را متوقف و در هم بشکنیم. یکپارچه به پا خاسته و اعلام کنیم که قتل و آدمکشی بس است. حکومت اسلامی باید برود.

کردستان سالهای سال است که علیه کلیت حکومت اسلامی مبارزه می‌کند. مردم کردستان بدلیل جنایات بیشرمانه این حکومت، هیچگاه به هیچ باند و جناحی از این حکومت دل نبسته و همواره علیه این حکومت مبارزه کرده‌اند. امروز که مردم ایران در همه جا در ابعادی میلیون‌ها به خیابان آمده و حکومت اسلامی مفتخوران میلیاردر را به چالش گرفته و شعار مرگ این حکومت را سر داده اند، مردم کردستان باید متحدانه به پا خاسته و نه فقط علیه اعدامها بلکه علیه کلیت حکومت اسلامی به میدان بیایند و به این مبارزات حق طلبانه سراسری قدرت و توان بیشتری ببخشند. زنده و گرامی باد یاد احسان فتاحیان

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ - ۲۰ آبان ۱۳۸۸

احسان فتاحیان بدست جنایتکاران اسلامی..

ازصفحه ۱

دولتی و قوه قضائیه جمهوری اسلامی وجود داشت که احسان اعدام شود. حکومت اسلامی می‌خواهد نشان دهد علیرغم همه اعتراضات، فعالین سیاسی را اعدام می‌کند. اجرای حکم اعدام احسان آغاز یک دور دیگر از کشتار زندانیان سیاسی است. هم اکنون تعداد بیشتری از فعالین سیاسی جانشان در خطر است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده احسان و همه کسانی که برای نجات جان احسان فعالیت و تلاش کردند، اعلام می‌کند که باید این خطر را جدی گرفت. جمهوری اسلامی برای بقای خود به توحش بیشتر روی آورده است. به منظور ایجاد فضای رعب و ترس و برای خاموش کردن موج اعتراضات توده ای که بعد از انتخابات ریاست جمهوری کل بیکره رژیم را به لرزه انداخته است، می‌خواهد تعداد بیشتری را بکشد. به همین دلیل ممکنست بزودی تعداد دیگری از فعالین سیاسی در کردستان و دیگر زندانهای ایران اعدام شوند.

مردم آزاده!

جمهوری اسلامی با تمام جنایاتی که در پرونده دارد راه پایان عمر خود را طی می‌کند. جنبش انقلابی جاری در ایران اولین هدفش پایان دادن به عمر همین دستگاه آدمکشی و جنایات اسلامی است. مردم کردستان در این مقطع زمانی در بوته آزمایش قرار گرفته اند. در اعتراض به این جنایت و آدمکشی باید متحدانه به میدان آمد.

سنندج حالت آماده باش داشته و در اطراف زندان مستقر شده بودند، ورود مردم به سنندج کنترل میشد و از ورود کاروانهای مردمی که از شهرهای مهاباد، کامیاران، کرمانشاه، قروه و ده گلان و... برای اعتراض به این حکم وحشیانه روانه سنندج بودند، جلوگیری میشد.

در اعتراض به این حکم، در زندانهای دیگر، از جمله در ارومیه و رجایی شهر و اوین نیز، زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زدند و در دنیا توجه های زیادی به این موضوع جلب شد. جمهوری اسلامی ایران این بار وقیحانه یک فعال سیاسی را به اتهام "ارتداد و محاربه" اعدام کرد. دهها سازمان مخالف اعدام و سازمانهای سکولاریست و اومانیست و سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی به این حکم اعتراض کردند. سازمان عفو بین الملل خواهان لغو فوری اعدام شد و حتی زیر فشار افکار عمومی اتحادیه اروپا و دولتهای غربی و از جمله آلمان به این حکم اعتراض کردند.

علیرغم این موج گسترده اعتراضی، حکومت اسلامی عزم جزم کرده بود، احسان را بکشد، چرا که از مدتها قبل دستور قتل فعالین سیاسی کردستان به مقامات محلی این حکومت در کردستان داده شده بود.

دیروز سه شنبه، با وجود اینکه خبر میرسد که زندان سنندج حالت شورش بخود گرفته و حتی علیرغم اینکه گفته شد، در زندان به دلیل بیماری، احسان ورقه حکم اعدام خود را امضا نکرده، ولی همگان دیدند که اصرار زیادی از جانب مقامات

۱۳ آبان، رژه انقلاب...

ازصفحه ۳

مقابل انقلاب به گردنشان بیاورند. این همان خط راستی است که با ارزیابی از اوضاع سیاسی ایران در این چند سال گذشته، تمام پدیده‌ها را از بالا و در قامت جناحها توضیح داده است. ائتلاف با حجابیان یکی از این تزه‌ها بود و در مقابل آن برسمیت نشناختن فاکتور اصلی و

همه جا برایشان تاریخ و مه گرفته است، مردمی در کار نیستند اگر هم هستند مردمی تحمیق و تحقیر شده، آلت دست قرار گرفته شده هستند و سربازان جنگی بیش نیستند. این گونه نوشته های سراپا ارتجاعی و زمخت را این حضرات باید بعنوان مدال ایستادگی در

ارتجاعی و دست راستی به انحا مختلف آنها با دادن رنگ و جلای ظاهرا چپ به این تئوریها، علت سنگر گرفتنشان در مقابل انقلاب مردم است. اما بدلیل یک کشیدن سابقه و گذشته چپ خود مجبورند تا برای تئوریهای راستروانه خودپوشش چپ بسازند که مایه دردسرشان شده است.

سد و مانع آشکار با مبارزات مردم بوده است. سالهای پیش هر نوع حرکتی را به راست، ملی گراها، الاحواز و یا هخا و جریانات ناسیونالیستی ربط دادند و به این شیوه تا به امروز مردم را از مبارزه با رژیم برحذر داشته اند. از این رو چشم امید رهبری این حزب با سیاست، تز و تئوریهای تاکنونی اش به تحولات در بالا بوده است. همکاری و ائتلاف با جریانات

تعیین کننده انقلاب یعنی نقش توده های میلیونی مردم انقلابی که در فراخوانهای این حزب و به هر مناسبتی از آنان خواسته است که در خانه بنشینند، اگر هم بخواهند بیرون بیایند اشتباه می کنند و شکست می خورند.

کادر رهبری این حزب تا کنون و طی چند سال موجودیتش خطی را بویژه در دوره اخیر مبارزات مردم ایران ادامه داده است که در آن ایجاد

از صفحه ۱

مصاحبه ایسکرا با منصور فرزاد ...

این رژیم عمدتاً به دلیل ماهیت اسلامی و تلاش برای اسلامی کردن جامعه مداوماً در تقابل با مردم قرار گرفته و این منشا کلیه بحرانهای رژیم از بدو تاسیس آن تا به امروز بوده است. اگر سرکوب مبارزات آزادیخواهانه مردم در دو دهه اول برای حفظ و تثبیت رژیم بود اما در دهه اخیر بطور واقعی مسائل بنیادی تر حکومت یعنی عبور از بحران و حفظ رژیم بطور کاملاً برجسته‌ای در مقابلش قرار گرفته است. شکل گیری جناح دو خرداد و بعد از آن جریان موسوی / کروی هم‌چنانکه خود آنها علناً اعلام کرده اند، ریشه در این بحران دارد. تنفر وسیع و میلیونی مردم از حکومت اسلامی، مبارزات هر روزه و به تبع آن عمیق شدن بحران حکومتی و اختلاف جناحها، رژیم حاکم را در شرایط بسیار سختی قرار داده است. بعد وسیع مبارزات مردم در ۱۳ آبان در تهران و چند شهرداری توجیه به آمادگی و تمرکز نیروهای انتظامی، سر دادن شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، قاتل نامیدن ولایت فقیه، آتش زدن بنر عکس خامنه‌ای بار دیگر عمق تنفر و خواست میلیونی مردم برای رها شدن از این حکومت ددمنش و وحشی را نشان داد. حاکم کردن فضای نظامی، اقدام به ترور، ایجاد فضای ترس و وحشت، شکنجه و اعدام اقداماتی است که بزعم مقامات رژیم میتواند در این شرایط مردم را بقب نیشینی وادار نماید.

ایسکرا: بنا به اخباری که در اوایل مهرماه منتشر شد، تعدادی از

زندانیان سیاسی در زندان سنندج با خطر اعدام مواجه هستند. در مورد این افراد، اسامی و محکومیت‌هایشان چه اخبار و اطلاعاتی دارید؟

منصور فرزاد: تعداد زیادی در زندان سنندج با خطر اعدام مواجه هستند که به اسامی آنها اشاره خواهم کرد. اما آخرین خبر مربوط به احسان فتحاحیان است که طبق آخرین اطلاعات " کمیته بین المللی علیه اعدام " بتاريخ ۱۹ آبان احسان را به بند قزطینه برای اجرای حکم اعدام انتقال داده اند و بر طبق این اطلاعات تیم اعدام وارد سنندج شده است و کلیه ارتباطات تلفنی زندان با خارج را قطع کرده اند. احسان فتحاحیان ۲۷ ساله، متولد شهر کرمانشاه و ساکن سنندج، حدود ۱۰ ماه پیش در کامیاران دستگیر و پس از تحمل ۳ ماه انفرادی در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی، به زندان مرکزی این شهر منتقل گردید. احسان به "محرابه از طریق اقدام مسلحانه علیه امنیت ملی کشور" متهم شده است.

هم اکنون ۱۴ تن از فعالان سیاسی و اجتماعی در کردستان به اعدام و زندان طولانی مدت محکوم شده اند که اسامی آنان به این قرار است:

رمضان احمد، فرهاد چالش، شیکرو معارفی، رستم اریکا، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، هیوا بوتیمار، انور حسین پناهی، ارسلان اولیایی، حبیب الله

لطیفی، فصیح یاسمنی، زینب جلالیان، احسان فتحاحیان.

ایسکرا: با توجه به نکاتی که اشاره کردید چه اقدامات عاجل و کارسازی می‌تواند در نجات جان محکومین به اعدام موثر باشد و کلاً چگونه می‌توان این ساطور سلاخی را از دست رژیم که سه دهه است با اعدام سرپا مانده است گرفت؟

منصور فرزاد: هم اکنون اعتراضات وسیع و گسترده‌ای در ایران و در سطح بین المللی در جریان است که باید این کمپین پیوست و آنرا تقویت کرد. در زندان مرکزی سنندج تعداد زیادی در اعتراض به این حکم دست به اعتصاب غذا زده اند که اسامی آنها عبارت است از: احسان فتحاحیان، حبیب لطیفی، عدنان حسن پور، انور حسین پناهی، ارسلان اولیایی، جبرئیل خسروی، فردین مرادی، سعید سنگر، سیوان رحیمی، جهانبخش احمدی، سیروان محمودی، هوشیار احمدی، بهمن سعیدی، جهاندار محمدی، طه احمدی، لطف الله لطف الله پور، ولی رستمی، رحمت اورامی نژاد و ..

تا کنون بسیاری از نهادهای اومانیست، سازمانها و انجمنهای مخالف اعدام، طرفداران حقوق بشر، سایت‌های سیاسی - خبری به این کمپین اعتراضی پیوسته اند. در آلمان کنفرانس انتقادی به اسلام یک بیانیه انتشار داده است که در آن از دولت آلمان خواسته است که

فورا برای لغو این حکم اقداماتی در دستور قرار دهد.

مینا احدی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام و یکی از فعالین اصلی کمپین مبارزه برای لغو اعدام احسان فتحاحیان با ارسال نامه به دهها نهاد مدافع حقوق انسانی و همچنین با تماس با نمایندگان پارلمان اروپا و شورای حقوق بشر سازمان ملل از آنها خواست فورا اقدام کنند.

بر طبق اسناد و اطلاعاتی که " کمیته بین المللی علیه اعدام " سازمان بین المللی اومانیستها و نهادهای متعدد مدافع حقوق انسانی در جریان این حکم قرار گرفته و مجموعه اقداماتی برای نجات احسان در دنیا در جریان است. جنبش اعتراضی به حکم اعدام احسان فتحاحیان گسترش بیشتری یافته است، خبر این حکم در بسیاری از سایتها و برخی از رسانه‌های بین المللی منعکس شده و سازمانهای مدافع حقوق انسانی و از جمله سازمان جردانو برونو در آلمان، جامعه بین المللی حقوق بشر، سازمان بین المللی اومانیستها و دهها نهاد علیه اعدام به این حکم اعتراض کرده اند. مادر فعالین سیاسی حبیب لطیفی، صغری لطیفی نیز به جمع اعتصاب کنندگان پیوسته اند. اکنون در زندان سنندج، ارومیه، قروه مهاباد، و تعدادی در رجبی شهر و اوین به این حکم اعتراض کرده و دست به اعتصاب غذا زده اند. خواست همه این زندانیان لغو فوری حکم اعدام احسان است.

در فیس بوک و تویتر، متن نامه اعتراضی به این حکم از طرف تعداد زیادی امضا میشود و خبر در

سایت‌های متعدد خبری و اینترنتی به زبانهای فارسی و کردی و انگلیسی و آلمانی و .. وسیعاً توزیع شده است.

جمهوری اسلامی در شرایط بسیار دشواری گرفتار است. باید اعتراضات کنونی بر علیه اعدام و شکنجه را تقویت کرد و بطور دسته جمعی به میدان آمد و با خواست زندانی سیاسی فورا و بی قید و شرط آزاد باید گردد، به کمک زندانیان و بویژه زندانیانی که خطر اعدام آنها را تهدید میکند شتافت. علاوه بر فعالیتهای جاری تا کنونی، میبایست در جهت سازمان دادن جنبش عظیم فی الحال موجود علیه اعدام در ایران حرکت کرد. در شهرهای مختلف میتوان تشکلهای علیه اعدام را ایجاد کرد که هر کدام با توجه به امکانات و فضای سیاسی اقدامات ویژه ای را میتوانند در دستور بگذارند. خانواده های زندانیان محکوم به اعدام را نباید تنها گذاشت و همگام با آنها دست به تجمعات اعتراضی زد. هر یک مورد محکوم به اعدام را باید به شیوه های مختلف به چهره ای آشنا برای مردم جهان تبدیل کرد. باید در دیوار خیابانها را با شعارهای علیه اعدام و با خواست لغو مجازات اعدام پر کرد. اطلاعاتی که کمیته بین المللی علیه اعدام را میتوان تکثیر و در محلات و محلهای کار پخش کرد. به اشکال و از راههای مختلف و با تمام قوا میتوان این صف را تقویت کرد و ابزار سرکوب را از دست جنایتکاران اسلامی گرفت.

* * *

قتل یک کارگر مرزی توسط مزدوران رژیم



سردشت تیراندازی کردند که یکی از کارگران بنام قادر احمد پور ۳۰ ساله، دارای همسر و دو فرزند زخمی می‌شود. قادر در حالی که زخمی

بنا به خبری که به حزب رسیده است در تاریخ ۱۱ آبان ۸۸ نیروهای مزدور رژیم شب هنگام به سوی کارگران مرزی در نوار مرزی

شده است. باید قاطعانه در مقابل این جنایت ایستاد و نسبت به آن اعتراض گسترده‌ای به راه انداخت.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیم به همسر، فرزندان، بستگان قادر احمدپور و به برادرش خدر احمدپور، این عمل جنایتکارانه رژیم اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند و از همه مردم شهر و روستاهای منطقه سردشت و از همه انسانهای آزادبخواه می‌خواهد که ضمن محکوم کردن جنایات هر روزه

مزدوران رژیم در قتل کارگران مرزی، تیراندازی، کمین گذاری و غارت وسایل آنان متحد و یکپارچه اعتراض کنند. رژیم در بحرانی لاعلاج دست و پا می‌زنند، از این شرایط باید استفاده کرد و یکپارچه و با تمام قوا به خیابان آمد و جانین را سر جایشان نشاند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آبان ۸۸، نوامبر ۲۰۰۹

احسان فتاحیان در خطر اجرای حکم اعدام به این ددمنشی حکومت اسلامی اعتراض کنید

کمونیسست کارگری ایران، ضمن محکوم کردن شدید این حکم از همگان دعوت میکند که به این حکم ددمنشانه حکومت اسلامی اعتراض کنند.

ما از مردم شهر سنندج و کامیاران و همه شهرهای کردستان و ایران دعوت میکنیم با اعتراض به این حکم، مانع اجرای آن شوند. از مردم سنندج دعوت میکنیم، با تجمع در مقابل زندان مرکزی شهر سنندج و با ارسال نامه و طومار اعتراضی به جلاخان اعلام کنند که اجازه ندارند احسان را اعدام کنند.

به پا خیزید و به این حکم وحشیانه اعتراض کنید.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ نوامبر ۲۰۰۹ ۱۸ آبان ۱۳۸۸**

یا فعالیت سیاسی آنها به راحتی اعدام کند.

اکنون که این حکومت با موجی از اعتراضات گسترده مردم و با یک انقلاب عظیم علیه موجودیت خود روبرو شده، قصد دارد با اعدام فعالین سیاسی و با اتهاماتی پوچ همچون اتهام ارتداد، به اعدام فعالین سیاسی دست بزند. در کردستان اخبار از یک ماه قبل حاکی از برنامه ریزی جلاخان برای به قتل رساندن چندین فعال سیاسی بود و اکنون حکومت سعی دارد این کشتارها را آغاز کند.

برای جلوگیری از اعدامهای بیشتر و برای نشان دادن موج عظیم نفرت و انزجار خودمان علیه این حکومت باید بهر طریق ممکن به این حکم وحشیانه اعتراض کنیم.

کمیته کردستان حزب

بنا به اخباری که از روز یکشنبه ۱۷ آبان ماه منتشر شده، جمهوری اسلامی ایران قصد دارد احسان فتاحیان ۲۸ ساله را در زندان مرکزی سنندج اعدام کند. این حکم وحشیانه قرار است در نیمه شب چهارشنبه ۲۰ آبان ماه اجرا شود و حکومت اسلامی ایران شرم ندارد اعلام کند که احسان را به دلیل فعالیتهای سیاسی و همچنین به اتهام " ارتداد" یعنی خروج از مذهب اسلام اعدام میکند.

این یک اقتضای بزرگ سیاسی و یک واقعه بسیار مهم است. حکومت اسلامی در سالهای اول به قدرت رسیدنش و برای زهر چشم گرفتن از مردم، تعداد زیادی را به اتهام " ارتداد" کشت، اما در سالهای اخیر جرات نمیکرد، فعالین سیاسی را به دلیل عقیده و

احسان فتاحیان در اعتراض به خطر اجرای حکم اعدام در روز چهارشنبه، از روز یکشنبه ۸ نوامبر دست به اعتصاب غذای خشک زد



احسان فتاحیان

نامه به اتحادیه اروپا و سازمان ملل، خواهان دخالت فوری در این موضوع و جلوگیری از قتل احسان شده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه فعالین خود در کشورهای مختلف دعوت میکند فوراً دست بکار شده و با تماس گرفتن با دولتها و سازمان دادن میتینگهای اعتراضی و مجموعه اقدامات کمک کنند جان احسان را نجات دهیم.

کمیته علیه اعدام از همه احزاب اپوزیسیون و نهادهای مخالف اعدام دعوت میکند که در روزهای آتی با مجموعه فعالیتهایی، خبر این واقعه را منعکس کرده و به این حکم جنایتکارانه بهر طریق اعتراض کنند.

**ما نباید بگذاریم احسان را اعدام کنند. به پا خیزیم و برای نجات جان احسان اقدام کنیم.
کمیته بین المللی علیه اعدام
۸ نوامبر ۲۰۰۹**

احسان در زندان مرکزی سنندج به اعتصاب غذای خشک دست زد. خبر احتمال اجرای حکم اعدام وی در روز چهارشنبه ۲۰ آبان ماه در زندان سنندج پخش شده و احسان در اعتراض به این برنامه ریزی برای قتل خودش، دست به اعتصاب غذا زده است.

از زندان سنندج خبر رسیده که فعالین سیاسی دربند در زندان با ارسال نامه به نهادهای مدافع حقوق انسان و مخالفین اعدام و با ارسال

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد قطع مجدد کانال جدید



کانال جدید که بدنبال یک وقفه دو ماهه و نیمه مجدداً کار خود را از ۱۳ اکتبر (۲۱ مهر ۸۸) شروع کرده بود بار دیگر بدنبال فشارهای جمهوری اسلامی بر کمپانی هاتبرد تعطیل شد.

کانال جدید نقش مهمی در آگاهگری و بسیج و سازماندهی کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی و نظام ناعادلانه سرمایه داری، علیه خرافه و سنت های ضدزن و ضدانسانی داشت، نقشی بسیار ارزنده و تاریخی در رواج وسیع ایده های کمونیستی و محبوبیت حزب کمونیست کارگری ایفا کرد و تاثیر بسزائی بر مبارزات مردم و بویژه در تداوم و رادیکالیزه شدن انقلاب جاری در ایران داشت و به همین دلیل مورد هجوم قرار گرفت و بسته شد و میلیونها بیننده علاقمند از دیدن آن محروم شدند. اما ایده ها و آرمانهایی که کانال جدید مبلغ

ها و بسیج و متحد کردن و سازمان دادن کارگران و مردم شریف و آزادیخواه فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری همه مدافعین سوسیالیسم، کارگران، زنان و همه جوانان و مردم آزاده را به پیوستن به صفوف این حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برچیدن بساط استثمار و نابرابری و ظلم و بیحقوقی فرامیخواند.

**حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آبان ۱۳۸۸، ۶ نوامبر ۲۰۰۹**

آنها بود و انبوه مردم را پای برنامه های خود میکشاند نه قابل جمع کردن است نه با پارازیت و سانسور و سرکوب از بین میرود. ایده ای که توده ای میشود به یک نیروی مادی غیرقابل حذف تبدیل میشود.

ما ضمن تلاش برای راه اندازی مجدد کانال جدید، همه مردم آزادیخواه، همه دستداران کانال جدید و همه کسانی که خود را در ایده ها و آرمانهایی که کانال جدید نمایندگی میکرد شریک میدانند به گسترش فعالیت برای تبلیغ این ایده



۱۳ آبان، پایین کشیدن عکس دیکتاتور بزرگ توسط مردم انقلابی



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!